

## طرح کتابشناسی نگاشته های فارسی

احمد منزوی

یکی هم برای یافتن و نشان دادن سهم زبان فارسی در بنای تمدن و فرهنگ بشری. زبان فارسی یکی از دو عمده ترین زبان، از زبانهای جهان اسلام است. و در برخی زمینه ها، زبان فارسی در ردیف نخست جای دارد. اما این زبان مظلوم قرار گرفته، و خدماتش به جامعه بشری آن چنان که بایستی شناخته نشده است، تا شناسانده شود. برای شناختن و شناساندن خدماتش، می بایست فهرست مشترکی از همه نگاشته های فارسی گرد آید که کارنامه خدماتش باشد.

نیز برای تدوین تاریخ هر یک از رشته دانشها، نیاز به داشتن کتابنامه ای از نگاشته ها در آن زمینه داریم، تا سیر تکاملی آن، و یا احیاناً در برخی از رشته ها، انحطاط و زوال آن را دریابیم. کوتاه بیایم، این گفتار برای بیان اهمیت خدمت مشترک نگاشته نشده است.

\*\*\*

جای کتابنامه ای از نگاشته های فارسی، در ادب ما خالی است. استوری C. A. Storey در شصت و پنج سال پیش «ادبیات فارسی» *Persian Literature A Bibliographical* Surce را در این زمینه نگاشت. جزوه یکم آن در موضوع علوم قرآنی، به سال ۱۹۲۷ م منتشر گشت. پس از آن بخشهایی دیگر از آن چاپ و منتشر شد. متأسفانه جز بخشهایی از آن، آن هم به گونه پراکنده در ادواریها، هنوز به فارسی ترجمه نشده است. شوریها خواستند کار استوری را، که در این زمینه منحصر بود، به روسی برگردانند. برگل مسؤولیت آن را به دوش گرفت. ترجمه روسی بخشی از کار استوری، در سه مجلد، با

اهمیت فراهم آوردن خدمت مشترک از همه نگاشته ها و نسخه های فارسی بر پژوهندگان روشن است. یکی هم برای یافتن قلمرو جغرافیایی این زبان، قلمرو نگاشته های فارسی، سرزمین گسترده ای از ایران امروزی و خراسان بزرگ از افغانستان و تاجیکستان و سمرقند و بخارا را فرا می گیرد. ابرهای رحمت از این سرزمینها برخاسته، بر منطقه وسیعی از شبه قاره هندوستان (هند، پاکستان، بنگال) و آسیای صغیر (عثمانی تا بالکان) باریده، جوانه ها زده و شکوفه های فرهنگ مشترک ایرانی-بشری در این سرزمینها شکفته است. بدین گونه سده ها، زبان فارسی ابزار داد و ستد فکری و فرهنگی میان این سرزمینها بوده است. کتابها در رشته های گوناگون، به زبان فارسی در این سرزمینها نگاشته شده است، یا نسخه برداری شده، و با کوچ مردمان جابجا شده است. برای شناختن این حوزه فرهنگی و گردش و جابجایی علوم در آن به چنین فهرست مشترکی نیاز است.

آموزش عملی آنان، فراهم آوردن مجموعه بزرگی از منابع کتابشناسی و فهرستها، بودجه لازم و زمان نه چندان کوتاه دارد.

این کار در دو مرحله انجام می‌گیرد:

الف. «سرشماری» و به دست آوردن آگاهیهای اولیه از همه نگاشته‌های فارسی، از کتابها، رساله‌ها، نامه‌ها، منشآت و کتابچه‌ها.

ب. تالیف کتابنامه بزرگ نگاشته‌های فارسی. در این مرحله، هدف استفاده از تجربیات پیشینیان و تالیف کتابی کاملتر و جامعتر از کار ارزشمند «استوری» و «برگل» می‌باشد.

### مرحله یکم: فهرستواره

مرحله نخست، تالیف «فهرستواره» است. در این مرحله، هدف سرشماری است از هر آنچه می‌شود که به آن یک اثر مکتوب نام نهاد: کتابهای مشخص و معنون، رساله‌های کوتاه، دیوانهای مشخص و معنون، اجزای دیوانها از درون مجموعه‌ها و جنگها مانند «ترجیع بند» و «رباعی» و چند «غزل» و مجموعه نامه‌ها، تک‌نامه‌ها، مرقعها و جز آنها.

منابعی که در این مرحله بایستی تصفح گردد، و آگاهیهای لازم را برای آن سرشماری از سطر به سطر آنها بیرون کشید، عبارت است از کتابنامه‌ها، تذکره‌ها، فهرستهای ایرانی و خارجی و مجله‌های تحقیقات ایرانی. و هر اندازه که شمار بیشتری از این گونه منابع را مورد بهره‌گیری قرار دهیم، کار از نظر کمی و کیفی بهتر خواهد بود.

آگاهیهای بیرون کشیده از این منابع بر یک برگه در اندازه مناسب (۴۸×۶)، با ذکر منبع وارد می‌گردد، و این برگه‌ها، بر حسب الفبای در نام کتابها، در قفسه‌ها جای داده می‌شود.

اطلاعات بیرون کشیده از آن منابع را می‌توان «فهرستواره کتابهای فارسی» و یا هر نام مناسبتری داد.

هر برگه شامل آگاهیهای زیر است: الف. عنوان یا مدخل،

ب. منابع.

الف. عنوان

هر عنوان یا مدخل، در حد کمالش، شش مطلب را در بر

دارد:

۱- نام کتاب، ۲- نام نگارنده، مترجم، ۳- تاریخ نگارش

اصلاحات ارزشمند و افزودگیهای بسیار، به سال ۱۹۷۲ م به چاپ رسید.

پیش از انقلاب تصمیم بر این گرفته شد این ترجمه روسی به زبان فارسی در آید. تحریری روسی میان ۳ تن از مترجمان تقسیم شد. یکی از ایشان کریم کشاورز دچار سستی از بیماری شده، کار ایشان به پایان نرسید. کار دو تن دیگر با تحریر این ناچیز، به سال ۱۳۶۲، از سوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی در دو مجلد، در تهران منتشر شد. باقی مانده کار کریم کشاورز را دکتر پروین منزوی سالها پیش به فارسی ترجمه کرده که متأسفانه هنوز ناشری نیافته است.

کار استوری فراگیر همه رشته‌ها نمی‌گردد. و خود در پیشگفتار، گستردگی نگاشته‌ها را، سبب صرف نظر کردن از بخشهایی یاد می‌کند. کار برگل بخش کوچکی از آن کار ناتمام را در برداشت. و ترجمه فارسی شامل پیرامون نیمی از کار برگل می‌باشد. و این بود تمام کاری که ما ایرانیان در زمینه فراهم ساختن فهرست مشترک از کتابهای فارسی انجام داده‌ایم.



از چندی پیش طرح «دایرةالمعارف کتابشناسی جهان اسلام» در «مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی» دنبال می‌گشت. این ناچیز که در اواخر سال ۱۳۶۹ پس از پانزده سال از پاکستان برگشته بودم، این کمبود را با جناب سید کاظم بجنوردی در میان گذاردم، خوشبختانه پذیرفته شد و جذب آن طرح بزرگ شدم و بخشی «کتابنامه نگاشته‌های فارسی» آن طرح به این ناچیز واگذار شد تا طرحی برای آن فراهم سازم. طرح زیر ریخته شد و از سوی ایشان پذیرفته شد، و از آغاز سال ۱۳۷۰ به کمک دستیاران شیفته کار، که از میان کارمندان «مرکز دایرةالمعارف» برگزیده شده بودند، کار آغاز گشت.

### چگونگی طرح

هدف تالیف کتابنامه‌ای است از نگاشته‌های فارسی، بر حسب موضوع، و هر موضوع به ترتیب تاریخی. این کار بزرگی است نیاز به پژوهشگران شیفته کار و

یا ترجمه، ۴- موضوع، ۵- شمار «باب» و «فصل» ها یا هرگونه بخشبندی کتاب، ۶- سرآغاز کتاب. و این اطلاعات ششگانه، در واقع بخش کتابشناس هر برگه از «فهرستواره» می باشد.

در اینجا بایستی به این دو نکته توجه داشت: ۱- کمتر می توان همه اطلاعات ششگانه پیشگفته را در همه برگه ها منعکس کرد. هدف چنین است ولی امکانات ما در این مرحله محدود است به اطلاعاتی که در منابع مورد استفاده ما به دست می آید. ۲- همین آگاهیهای ششگانه، خود یک کتابشناسی کوتاه است، چیزی در فراخور «فهرستواره».

#### ۱- نام کتاب

ممکن است نام کتاب در نسخه ها و منابع به چند گونه آمده باشد. می کوشیم نام اشهر، یا نامی که در منابع معتبرتر آمده، و یا نام چاپ شده را پایه قرار دهیم و برای دیگر نامها، برگه ارجاعی بسازیم، تا هرکس به هریک از نامها مراجعه کرد، دست به مطلوب خود یابد. برای حفظ امانت، و بازماندن راه پژوهش، پس از ذکر نام هر منبع، نامی که آن منبع بدان اثر داده آورده می شود.

برای مثال: «وقایع حیدرآباد» کار نعمتخان علی شیرازی، در فهرستها و منابع و حتی چاپها، به نامهای گوناگون آمده است: وقایع نعمتخان، روزنامه وقایع حیدرآباد، روزنامه محاصره حیدرآباد، روزنامه واقعات دارالجهاد حیدرآباد، وقایع کولکنده، تسخیر قلعه کلکنده و چند نام دیگر. همه این نامها بایستی زیر یکی از عنوانهای اشهر جای گیرد، ولی در دنبال هر منبع، نام به کار گرفته در آن منبع آورده می شود. مانند: ذریعه ۱۱؛ ۱۷۱ «روزنامه محاصره حیدرآباد»، همانجا ۲۵؛ ۱۳۲ «وقایع نعمتخان»- استوری ۱؛ ۵۹۰ «روزنامه واقعات محاصره دارالجهاد حیدرآباد» و ...

برای یکسان شدن و در یکجا گردآوردن، بایستی در برخی از نام کتابها تراشی داده شود. مثلاً «هذا کتاب مستطاب گلستان» به «گلستان» و یا «مثنوی خسرو و شیرین» به «خسرو و شیرین» و «غزلیات یا قصاید یا منتخبات اشعار سعدی» به «دیوان سعدی» تراش داده شود. تراش در نام کتابها و رساله هایی که نام ویژه ای ندارند، از این مرزها می گذرد، و

مجریان طرح بایستی به مهارت بالایی دست یابند. و بیان آن در اینجا نمی گنجد و نیاز به مقاله جداگانه دارد.

#### ۲- نام نگارنده

پس از نام کتاب، نخست نام نگارنده، سپس اگر مترجم و یا محرر داشته باشد، نام او آورده می شود در این مورد نیز نام اشهر، سپس نام کاملی ولی کوتاه آورده می شود. اگر یک کتاب به چند کس نسبت داده شده بود، و یا نام نگارنده به چند گونه روایت شده بود، همان رویه به کار گرفته می شود که در نام کتابها ارائه شد. یعنی معتبرترین روایتها گزیده می شود، و اختلاف گویند، به دنبال هر منبع یاد خواهد شد.

زایش و مرگ، یا سده تقریبی پس از نام نگارنده آورده می شود.

اگر نام نگارنده ناشناخته بود، به جای نام، حرف «ن» یعنی ناشناخته خواهیم گذارد.

#### ۳- تاریخ نگارش

تاریخ نگارش بسیاری از کتابها ناروشن است. گاهی منبعها تاریخهای جدایی یاد کرده اند. شاید یکی تاریخ آغاز به نگارش و دیگری انجام را نشان بدهد، و در برخی از موارد تاریخ روزگار نگارنده نشان داده شود. به هر روی کوشش می شود تاریخی برای تعیین روزگار به دست آوریم، وگرنه «بی» خواهیم نوشت.

#### ۴- موضوع کتاب

موضوع دقیق یک نگارش تنها با آوردن فهرست همه بخشها به دست می آید، که در مرحله اول، یعنی فهرستواره، مورد نظر ما نیست. در این مرحله تنها به موضوع نگارش اشاره می شود. اما این اشاره بایستی فراتر از یک کلمه «تاریخ» یا «عرفان» یا «شعر» باشد.

«فهرستواره» به ترتیب موضوعی خواهد بود. مثلاً تفسیر، تجوید، کلیات درباره قرآن، ریاضی، تاریخ جهان، تاریخ ایران، تاریخ شبه قاره و ... ولی تدوین بر این طبقه بندی پسندیده نیست. بایستی در هر مورد توضیح کوتاهی داده شود. مثلاً تاریخ ایران روزگار باستان، روزگار قاجار خان یا تاریخ ایران از ... تا ... یا تاریخ شهر قم و ...

### ۸. بخشبندی کتاب

بخشبندی کتاب، که یکی از نشانیهای هر کتاب است، بسیار کوتاه آورده می‌شود: در چند «باب» و یا چند «فصل». و یا آورده شود: در چند «مقاله» و هر «مقاله» در چند «باب» و یا هرگونه بخشبندی دیگری که کتاب دارد آورده می‌شود.

### ۹. سرآغاز کتاب

یک جمله کامل از آغاز و یکی دو کلمه از «اما بعد» آورده شود. این عبارتها به گونه‌ای گزیده می‌شوند که منعکس کننده سرآغاز کتاب باشد. یعنی عبارتهای «الحمد لله رب العالمین» به کلمه «حمدله» و عبارت «والعاقبة للمتقین» به «عاقبة» و «الصلوة والسلام علی...» به کلمه «صلوة» کوتاه می‌شود. چه، این عبارتها در بسیاری از سرآغازها دیده می‌شود و نشانه روشنی نیست، و عبارتهای پسین آنها آورده شود.

### ب. منابع

پیش از پرداختن به این مبحث بجاست چند نکته گفته شود: نخست اینکه کار اصلی «فهرستواره»، پس از درج اطلاعات ششگانه، آغاز می‌شود. چه هدف اصلی «فهرستواره» تعیین جایگاهی است که کتابی فارسی در آنجا معرفی شده است. هدف در این مرحله نوعی «سرشماری» کتابهای فارسی است، تا بعداً هنگام تدوین کتابنامه بزرگ، با داشتن لیستی از نام کتابها در هر موضوعی، برای صدور «شناسنامه» کتاب بدانجا مراجعه شود.

دوم اینکه کمتر می‌توان همه آگاهیهای ششگانه پیشگفته را، یکجا، از یک منبع، که در دست «برگه‌کشی» است، بیرون کشید. از هر فهرست یا منبعی که در دست برگه‌سازی است، هر تعداد از آگاهیهای ششگانه پیشگفته را که در بر دارد، برگه‌سازها در برگه خود ثبت می‌کنند. و بعدها هنگام ادغام برگه‌ها، برگه‌ها مکمل یکدیگر می‌شوند.

سوم اینکه این «فهرستواره» در همین کیفیت پایین، برای پژوهندگان راهنماست و ارزش انتشار دارد.

### ادغام برگه‌ها

با پیشرفت نسبی برگه‌نویسی، کارآمدترین برگه‌نویسان به کار ادغام برگه‌ها می‌پردازند. آگاهیهای ششگانه، که کتابشناسی برگه را در بر دارد، بر فراز برگه نوشته می‌شود.

سپس منابع در سه گروه آورده می‌شود: منابع کتابنامه‌ای- در این تعبیر شامل تذکره‌ها و تاریخ ادبیات و مجله‌ها نیز می‌شود. سپس فهرستهای چاپ ایران، آنگاه فهرستهای چاپ بیرون از ایران. و هر یک از این گروهها به ترتیب الفبایی در نام آنها. نامی کوتاه شده از هر منبع. مثلاً «تهران، دانشگاه» برای فهرستهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، یا «تهران، مجلس» برای فهرستهای کتابخانه مجلس شورا...

در این مرحله، یعنی در مرحله ادغام برگه‌ها، به اختلاف روایات در منابع کتابشناسی و فهرستها می‌پردازیم. به اجتهاد ادغام‌گر، اطلاعات متن‌تر، در بخش بالایی برگه و اطلاعات متناقض آن، پس از ذکر منبع آورده می‌شود. و پیش از این، برای موارد اختلاف، مثالی از «وقایع نعمتخان» یاد کرده‌ایم.

### فهرست مؤلفان

در مرحله ادغام برگه‌ها از یک کتاب، بایستی فهرست مؤلفان «فهرستواره» نیز تدوین شود. این کار از درج یک کتاب زیر دو نام، تا اندازه‌ای جلوگیری می‌کند. و تالیفات یک نگارنده را به یکدیگر پیوند می‌دهد. برای هر گروه از دانشها، مثلاً تفسیر، تجوید، کلیات درباره قرآن، یک فهرست نگارندگان ساخته می‌شود.

این فهرستها خمیرمایه‌ای هستند برای نگارش «فهرست مؤلفان نگاشته‌های فارسی»، چیزی در برابر اعلام زرکلی و یا کحاله.

### مرحله دوم: کتابشناسی نگاشته‌های فارسی

مرحله دوم و نهایی طرح تدوین «کتابشناسی نگاشته‌های فارسی»، و با هر نام مناسبتر دیگری که بدان بدهید، می‌باشد این مرحله آنگاه آغاز می‌شود که «فهرستواره» اگر نه به حد کمال، بلکه به حد بلوغ رسیده باشد، و آن را از صورت «الفبایی» به صورت «موضوعی الفبایی» در آورده باشیم. پس از موضوعی شدن برگه‌ها، می‌توان هر یک از موضوعها را به یکی از استادان واگذار کرد تا آن استاد به کمک دستیاران خود به تدوین آن کتابنامه بزرگ پردازد.

برای اینکه کار تدوین آن کتابنامه بزرگ یکدست گردد و آگاهیهای لازم برای معرفی یک اثر، در یک چهارچوب قرار

گیرد، بایستی استنادی که هر یک تدوین یک موضوع را به دوش گرفته‌اند، در یک شورای علمی، که زیر نظر «دبیر» سازمان تشکیل می‌شود، شرکت داشته باشند. اگر «فهرستواره» در آن تاریخ به چاپ نرسیده باشد، نسخه‌هایی از آن تکثیر شود و در اختیار تک‌تک استادان پیشگفته و دستیارانش قرار داده شود.

فهرستها و کتابنامه‌هایی که جزو منابع «فهرستواره» هستند، به شمار استنادی که مسؤولیت تدوین موضوعی از موضوعهای کتابنامه بزرگ را به دوش دارند، قرار داده شود تا مستقلاً با دستیارانشان از آن بهره‌برند. و اگر نشانه‌هایی در کناره صفحه‌های نسخه خود گذارند، خود داند و مزاحم گروه‌های دیگر نشده باشند.

«فهرستواره» و منابع آن، برای تدوین «کتابشناسی نگاشته‌های فارسی» کافی نیستند. بایستی در کنار کتابخانه اختصاصی، از کتابخانه بزرگ و مجهزی با برگه و اینها، دست کم در حد کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلام بهره‌مند گردد. بایستی به نسخه‌های چاپ مصحح و پیشگفتار ویراستاران از کتابهای چاپ شده، دسترسی داشت. بایستی به مقالاتی که در مجله‌های تحقیقی ایرانی و خارجی چاپ شده دسترسی داشت.

کتابنامه نویسی، به گونه «دایرة المعارف» نویسی نیست، که «مدخل»‌ها را تک‌تک به مقالت نگارها واگذار کرد. در اینجا باید یک گروه از موضوعها، مثلاً گروه علوم قرآنی، تفسیر، تجوید، کلیات یا علوم مثبت (ریاضی، ستاره‌شناسی و...) یا علوم تجربی (طبیعیات، پزشکی، کیمیا و...) به یک استاد واگذار گردد که او با دستیاران خود آن موضوعات را طی مدتی دراز تدوین کند.

#### چهارچوب کتابنامه بزرگ

کتابنامه «استوری» و تحریر روسی آن از «برگل» با تمام ارزشی که دارند و حرمتی که برای آنها معترفیم، برای روزگار خود، کار نسبتاً خوبی بوده است، که همان روزگار هم کاستیها داشته است، که خود بدان اشاره دارند (نک). پیشگفتار چاپ تحریر فارسی «برگل». آنچه می‌توان به کوتاهی گفت آن است که آنها فهرست راهنما بوده، اما «کتابنامه» نبوده‌اند. بخشبندی

کتاب معرفی شده از شماره باب و فصل‌ها، فهرست کوتاه از مطالب کتاب را نیآورده‌اند. سرآغاز کتاب (حتی مشخص تر از آنچه در بخشهای تازه منتشر شده «استوری» دیده می‌شود) از ضرورتهاست.

#### سازمان علمی

برای تدوین کتابنامه بزرگ نیاز به سازمانی است، که می‌تواند از یک «دبیر» سازمان، چند استاد، هر یک مسؤول تدوین یک موضوع و دستیاران و «شورای استادان» و «شورای دستیاران» تشکیل گردد.

کارکرد تحقیقاتی اعضای علمی از استادان و دستیاران ایشان، بایستی به طور مشخص در پایان و «مدخل» و بعداً در پیشگفتار چاپ منعکس شود.

#### طبقه‌بندی دانشها

چون هدف تدوین کتابنامه‌ای از کتابهای به اصطلاح قرون وسطایی و شناسایی و نشان دادن سنگهای زیر بنای تمدن و فرهنگ امروز بشری است، پس بایستی محدوده زمانی نگاشته‌ها را تعیین کنیم. این محدوده زمانی در زبانهای جهان اسلام یکی نیست. در زبان فارسی، پس از پرسش از استادان، محدوده را از آغاز پیدایش زبان فارسی دری تا پایان چاپ سنگ (تقریباً مشروطیت) برگزیدیم. چه پس از این تاریخ نگاشته‌های ما اصالت ایرانی خود را از دست می‌دهند. نه اینکه بی‌ارزش شده، بل پربارتر نیز شده‌اند، ولی، چنان که گفته شد، اصالت خود را از دست داده‌اند و تاریخی جداگانه برای خود دارند، که بیرون از طرح ماست.

نمی‌توان یک طبقه‌بندی از موضوعها را برای همه زبانها تعیین کرد. هر زبانی به دلایلی بخشبندی ویژه خود را دارد. مثلاً در کتابنامه نگاشته‌های فارسی، برای بخش منظومه‌ها، می‌توانیم بخشهای مثنوی بزمی و حماسی داشته باشیم، در صورتی که عربها «ارجوزه» دارند، و در زبان اردو، «سی حرفی» دارند، که ما اینها را نداریم. به هر حال اینجانب طبقه‌بندی زیر را برای زبان فارسی گزیده‌ام. مخصوصاً «فهرستواره» که دست در کار آن هستیم. برای کتابنامه بزرگ می‌توان دگرگونیهایی در آن داد.

\*\*\*

طبقه بندی در فهرستواره

الف. علوم قرآنی:

- ۱- تفسیر.
- ۲- تجوید.
- ۳- کلیات (که می تواند به بخشهای کوچکتری تقسیم گردد (کشف الآیات، خواص آیتها و سورتها، شمار آیتها و حروف و جز آنها).
- استوری و برگل بخش علوم قرآنی را بر همه بخشها پیشی داده اند، و در پیشگفتار کتاب خود به تقدس آن کتاب آسمانی و جامعیت و کلیت آن اشاره می کنند.

ب. علوم مثبت:

- ۱- ریاضی (حساب، هندسه، جبر و مقابله).
- از گذشته که علوم را طبقه بندی کرده اند، به بسیط بودن دانش ریاضی توجه داشته آن را پیشاپیش دیگر دانشها جای داده اند.

۲- ستاره شناسی (هیئت، اختر بینی).

- جدا سازی «ستاره شناسی = هیئت» از «اختر بینی» که یک نوع استنتاج از حرکتها و وضعیت ستارگان در سرنوشت خاکیان را در بر دارد، دشوار است. بیشتر کتابهای قرون وسطایی که موضوع کار ماست، ترکیبی از این دو است.

- ۳- موسیقی (موسیقی، ابزار، آهنگها، غنا در فقه و عرفان).

- دانش موسیقی بنا بر ماهیت آن، در بخش ریاضی و علوم مثبت جای داده شده است.

- ۴- علوم غریبه (رمل، جفر، خواص اعداد و از این گونه).

ج. دانشهای تجربی:

- ۱- طبیعیات (فن و صنعت، کان شناسی، جواهر شناسی، گیاه شناسی، کشاورزی و جز آنها).

- ۲- کیمیا.

- ۳- پزشکی.

- ۴- جانور شناسی، دامپزشکی.

جداسازی برخی از دانشها از یکدیگر، مثلاً جانور شناسی از دامپزشکی، یا جدا سازی دارو سازی از پزشکی کار دشواری است. چه، کتابهای ما معمولاً طب نظری و عملی و

جراحی و داروسازی را به عنوان بخشهایی از یک کتاب آورده اند.

- ۵- چند دانشی دایرة المعارف، مطالب گوناگون.

د. دانشهای عقلی:

- ۱- منطق.

- ۲- فلسفه.

- ۳- روانشناسی.

- ۴- کلام و عقاید.

- ۵- عرفان (نظری و عملی).

- ۶- فلسفه عملی (اخلاق، خانه و کشور داری).

- ۷- پیشه ها و آداب پیشه وران.

- ۸- هند ویی.

- ۹- ملل و نحل.

جدا سازی کتابهای فلسفی از کلامی و حتی از عرفانی دشوار است. عرفان عملی خود بخشی از فلسفه عملی و فرهنگ ما را تشکیل می دهد. در عمل استادان مجری طرح راه حلهایی برای غلبه بر این دشواریها خواهند یافت. از آن میان برگه های ارجاعی.

ه. کتابهای دینی:

- ۱- حدیث، درایت حدیث.

- ۲- فقه.

- ۳- اصول فقه.

- ۴- دعا.

و. دانشهای ادبی و بلاغتی:

- ۱- خط، خوشنویسی.

۲- واژه نامه ها (که خود به بخشهای کوچکتری تقسیم می شود: فرهنگنامه های یکزبانه، دو زبانه، اصطلاحات و ...)

۳- دستور زبان (که خود به بخشهای کوچکتر تقسیم می گردد: دستور زبان فارسی، دستور زبان عربی که به فارسی نگاشته شده، ترکی، هندی ... نصابها).

- ۴- دستور نامه نگاری و دبیری (نظری، آموزش عملی).

- ۵- بلاغت، معانی و بیان، صنایع ادبی.

- ۶- عروض و قافیه.

- ۷- معما و نغز.

۸- نثرهای ادبی مانند گلستان و مقامات و ...

۹- داستانهای منثور.

ز. منظومه‌ها:

۱- دیوان.

۲- منظومه‌ها (که می‌تواند به بخشهای کوچکتری تقسیم

گردد: مثنویهای بزمی، رزمی و حماسی، مثنویهای علمی (پزشکی، فقهی و ...)

ح. تاریخ:

۱- کلیات (فهرستها، کتابنامه‌ها، روزنامه‌های خطی

و ...)

۲- تاریخ جهان.

۳- تاریخ ایران (که می‌تواند به بخشهای کوچکتر زمانی و

یا جغرافیایی تقسیم گردد).

۴- تاریخ شبه قاره هند.

۵- تاریخ بخشهایی از جهان (عثمانی، عربستان و ...)

۶- تاریخ پیامبران و امامان.

۷- زندگی‌نامه‌ها، در سه بخش:

- سرایندگان.

- پیران.

- بزرگان و نام‌آوران (وزیران، امیران و ...)

ط. جغرافیا:

ی. سفرنامه:

پیش‌بینی می‌شود هنگام تنظیم نهایی (فهرستواره)

تغییرهایی در این طبقه‌بندی رخ دهد، بخشهایی از بطن بخشهای

دیگر جدا شود و تقدّم و تاخر در چاپ بخشها رخ دهد.

\*\*\*

### کار انجام شده

نزدیک به دو سال پیش کار مرحله یکم، یعنی

«فهرستواره کتابهای فارسی» در «مرکز دایرة‌المعارف بزرگ

اسلام» آغاز شد. پیش از آن این کار در «مرکز تحقیقات

فارسی» در اسلام‌آباد پاکستان آغاز شده بود. بسیاری از

کتابنامه‌ها و فهرستها در آنجا برگه‌سازی شده بود. جز آنکه

بیشتر برگه‌ها به صورت خام بودند. آن برگه‌ها به تهران، به مرکز

یاد شده منتقل گشت. در این مدت به یاری مسوولان مرکز و

کوشش دستیارانم پیشرفت قابل توجهی به دست آمده است؛ از

این قرار:

۱- تاکنون ۵۴۵ مجلد کتابنامه و فهرست و منابع دیگر

کتابشناسی برگه‌کشی شده است. برگه‌های بیرون کشیده از

این مجلدها به بیش از سیصد و پنجاه هزار می‌رسد. شمار

مجله‌ها که برگه‌کشی می‌شود متوقف نشده است. با به

دست آوردن فهرستهایی که نداشته‌ایم، و یا تازه چاپ

افزوده می‌شود. و پیامد آن شمار برگه بیرون کشیده فزونی

می‌یابد. بجاست گفته شود نباید منتظر ماند که آخرین مجلد از

فهرستها به دست آید، و یا چاپ منابع تازه در ایران و جهان

متوقف شود.

۲- بخشهای علوم قرآنی، در سه بخش تفسیر، تجوید،

کلیات درباره قرآن، از برگه‌دانیها عمدتاً بیرون کشیده، مرحله

اولیه ادغام آنها انجام گرفته است و نیاز به دوباره‌نگری اساسی

دارد.

۳- از بخشهای علوم مثبت، بخش ریاضی، تمام مراحل

خود را پشت سر گذاشته است و پس از دوباره‌نگری قابل

چاپ است. بخش ستاره‌شناسی از برگه‌دانیها بیرون

کشیده و ادغام شده است، تقریباً نیمی از کار این بخش نیز

انجام گرفته است. دستیارم در این کار خانم حبیبه دانش‌آموز

می‌باشند.

۴- از بخشهای علوم تجربی، بخش طبیعیات انجام گرفته

است و پس از یک دوباره‌نگری قابل چاپ است. بخش پزشکی

نزدیک به پایان است. دستیارم در این بخشها خانم هدی

حسین‌زاده می‌باشند.

۵- برای بخشهایی که به ثمر رسیده، یعنی ریاضی و بخشی

از ستاره‌شناسی و بخش طبیعی و پزشکی، فهرست نگارندگان

فراهم شده است. و هنگام چاپ هر گروه از دانشها (مثلاً علوم

قرآنی، علوم مثبت، علوم تجربی) فهرست نگارندگان آن گروه

بایستی چاپ شود.

\*\*\*